

الوصية والنص المباشر:

وصيت و نص مستقيم

يقول بعضهم: إن وصية رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) لا تكفي في إثبات أحقية المحتج بها، ولا بد أن تكون الوصية من الإمام إلى الإمام الذي بعده مباشرة؟

عدهای می گویند: وصیت رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) به تنهایی برای اثبات حقانیت کسی که به آن محاجه می کند کافی نیست و حتماً باید وصیت به طور مستقیم از امامی به امام پس از او صورت گرفته باشد.

ولمثل هؤلاء كان (عليه السلام) يقول:

ایشان (عليه السلام) در پاسخ به چنین افرادی فرمود:

[إن علماء الشيعة يقولون: إن الوصية أو النص يكفي من الرسول، كما في كتاب (الباب الحادي عشر)، بشرح المقداد السيوري (1)، فهناك نص فيه: إن النص من الرسول أو الإمام السابق يكفي.

«علمای شیعه می گویند: وصیت یا نص از پیامبر کفایت می کند، کما این که در کتاب در «باب الحادی عشر» به شرح مقداد سیوری^۲ این عبارت آمده که: نص از پیامبر یا امام قبلی کفایت می کند.

فالوصية من الرسول تكفي، بالنصوص من عقائد حوزتهم.

پس با استناد به متون عقایدی از حوزه‌ی آنها، وصیت از پیامبر کافی است.

1. أَلَّفَ الشَّيْخُ الطُّوسِي (رَحِمَهُ اللهُ) كِتَابًا أَسْمَاهُ (مُصْبِحَ الْمُتَجَهِّدِ)، وَجَعَلَهُ عَلَى عَشْرَةِ أَبْوَابٍ، ثُمَّ قَدَّمَ عَلَيْهِ الْعَلَامَةَ الْحَلِيَّ شُرُوحَاتٍ وَأَضَافَ عَلَيْهِ بَاباً أَسْمَاهُ (الْبَابُ الْحَادِي عَشَرَ)، وَقَامَ الْمَقْدَادُ السِّيُورِي (ت: 826 هـ) بِشَرْحِهِ، وَهُوَ مِنْ أَهَمِّ الشُّرُوحَاتِ تَقْرِيْباً.

۲ - شيخ طوسی (رحمت الله) کتابی به نام «مصباح المجتهد» در 10 باب تألیف نمود؛ سپس علامه حلی شرح‌هایی بر آن نوشت و بابتی به نام «باب الحادی عشر» (باب یازدهم) به آن اضافه نمود. مقداد سیوری (متولد 826 هـ.ق) شرحی بر آن نگاشت که از مهم‌ترین شرح‌ها می‌باشد.

إِنَّ هَؤُلَاءِ لَا يَعْتَبِرُونَ، لَا بِقُرْآنٍ وَلَا بِرَوَايَاتٍ وَلَا بِالْمَعْصُومِينَ، هَؤُلَاءِ لَا يَعْتَبِرُونَ إِلَّا بِأَقْوَالٍ مَرَّجَعُهُمْ وَفُقَهَائِهِمْ وَمَا يَدْرُسُ فِي حَوْزَةِ النِّجْفِ، بَلْ وَحَتَّى يَنْكُرُونَهُ لِأَجْلِ أَنْ يَرْضُوا أَهْوَاءَهُمْ.]

اینها نه قرآن را در نظر می‌گیرند، نه روایات و نه سیره‌ی معصومین را. آنها فقط سخنان مراجعشان و فقهایشان و آنچه در حوزه‌ی نجف تدریس می‌شود را به دیده‌ی منت می‌گذارند؛ بلکه همین مطالب را نیز برای این که پی هوی و هوس خود برونند، منکر می‌شوند».

وهذا قول العلامة الحلي:

(الإمام يجب أن يكون منصوباً عليه؛ لأن العصمة من الأمور الباطنة التي لا يعلمها إلا الله تعالى فلا بد من نص من يعلم عصمته عليه، أو ظهور معجزة على يده تدل على صدقه).

این سخن علامه حلی است:

امام باید منصوب علیه باشد (باید بر او وصیت شده باشد) زیرا عصمت جزو امور باطنی است که فقط خدای تعالی به آن علم دارد، لذا باید از سوی کسی که بر عصمت او آگاه است نص صادر شود، یا ظهور معجزه به دست او که گواهی صدقش باشد.

وعلق عليه شارحه (المقداد السيوري) في (النافع يوم الحشر: ص ١٠٠)، قائلاً:

(أقول : هذه إشارة إلى طريق تعيين الإمام، وقد حصل الاجماع على أن التنصيب من الله ورسوله وإمام سابق، سبب مستقل في تعيين الإمام (عليه السلام)، وإنما الخلاف في أنه هل يحصل تعيينه بسبب غير النص أم لا، فمنع أصحابنا الإمامية من ذلك مطلقاً وقالوا: لا طريق إلا النص ...).

شارح کتاب (مقداد سیوری) در «النافع يوم الحشر: ص ١٠٠» بر این مطلب چنین تعلیق زده است:

می‌گوییم: این اشاره‌ای است به شیوه‌ی تعیین امام. بر این که تنصیب (وجود نص) از سوی خدا، پیامبر خدا و امام قبلی، سبب مستقلاً در تعیین امام (عليه السلام) است، اجماع حاصل شده و تنها موضع اختلاف این است که آیا امام با چیزی غیر از نص نیز تعیین و مشخص می‌شود یا خیر.

اصحاب امامیه‌ی ما از آن منع کرده‌اند و گفته‌اند: به جز نص راه دیگری نیست ...

* * *